

تأملی حقوقی بر معنای «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی

فائزه دانشور*

چکیده

به موجب صدر اصل «۱۱۵» قانون اساسی، رئیس‌جمهور بایستی از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود. عده‌ای با اشاره به معنای لغوی این عبارت، قائل به عدم جواز قانونی ریاست جمهوری زنان هستند. در مقابل، تعدادی از صاحب‌نظران کلمه «رجال» را به «شخصیت‌های برجسته» معنا کرده و بر این عقیده‌اند که در صورت احراز سایر شرایط مندرج در اصل «۱۱۵» قانون اساسی، هیچگونه منع قانونی برای ریاست جمهوری زنان وجود نخواهد داشت. در این میان، عدم اعلام نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان در خصوص معنای عبارت مذکور، موضوع را پیچیده‌تر کرده است.

در این مقاله، پس از اشاره به دلایل موافقین و مخالفین با ریاست جمهوری زنان، مذاکرات مطروحه در مجلس بازرنگری نهایی قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و به منظور درک موضع دیگر کشورهای اسلامی در این رابطه، شرایط احراز پست ریاست جمهوری در قوانین اساسی برخی از این کشورها، تبیین خواهد شد. در نهایت، این ایده مطرح می‌شود که کلمه‌ی رجال در اصل «۱۱۵» منحصر به مردان نبوده و می‌توان قائل به امکان قانونی ریاست جمهوری زنان شد.

کلیدواژه‌ها: اصل «۱۱۵»، رجال، شرایط ریاست جمهوری، قانون اساسی، زنان، مردان.

۱. مقدمه

از میان ۱۶۳۶ فردی که به منظور نامزدی در انتخابات دوره دوازدهم ریاست جمهوری ثبت نام کردند، ۱۳۷ نفر زن بودند (ایسنا، ۲۷ فروردین ۱۳۹۶) که صلاحیت هیچیک از آنها مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت. با این حال، شورای نگهبان، برای رد صلاحیت هیچیک

* دکترای حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، faezhdaneshvar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۳

از بانوان مذکور به «زن بودن» آنها استناد ننموده و بدین ترتیب در این دوره نیز^۱ مانند ادوار گذشته در خصوص تفسیر عبارت «رجل» در اصل «۱۱۵» قانون اساسی اعلام نظر نکرد (رستمی و موسی زاده، ۱۳۹۰: ۲۲۹). بر این اساس، کماکان مفهوم عبارت «رجال مذهبی و سیاسی» که در اصل «۱۱۵» قانون اساسی و بند «۱» ماده «۳۵» قانون انتخابات ریاست جمهوری مورد اشاره قرار گرفته است، مورد مناقشه است. در راستای حل این اختلاف نظر فقهی و حقوقی، مقام معظم رهبری طی جزء (۵) بند (۱۰) سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۴، شورای نگهبان را مکلف نمودند تا معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی را تعریف و اعلام کند. با این حال تا کنون شورای مذکور نظریه تفسیری خود در این خصوص را ارائه ننموده است (جلالی، ۱۳۹۶: ۱).

بنا به آنچه گفته شد، در غیاب نظریه تفسیری از شورای نگهبان، اهمیت بحث و تعمق حقوقی در خصوص این موضوع، دوچندان می‌شود. در این راستا، در ادامه، نخست، به دلایل کسانی که کلمه «رجال» در اصل (۱۱۵) قانون اساسی را به معنای مردان دانسته و قائل به عدم جواز قانونی ریاست جمهوری زنان هستند، اشاره می‌کنیم و سپس، استدلال‌های افرادی که کلمه «رجال» را به «اشخاص سرشناس و برجسته» معنا کرده و «مرد بودن» را در زمره شرایط رییس‌جمهور نمی‌دانند، مطرح خواهیم نمود. در مبحث سوم، مذاکرات مطروحه در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و مبحث چهارم به بررسی تطبیقی قوانین اساسی برخی کشورهای اسلامی در رابطه با ریاست جمهوری زنان، اختصاص خواهد یافت. در نهایت، پس از بررسی ادله موافقین و مخالفین ریاست جمهوری زنان، تلاش خواهد شد که معنای «رجلیت» در اصل (۱۱۵) قانون اساسی تبیین گردد.

۲. دلایل مخالفان با ریاست جمهوری زنان

دلایل قائلین به عدم جواز قانونی ریاست جمهوری زنان را می‌توان ذیل سه محور کلی ذیل ارائه کرد؛

نخست، از نظر لغوی «رجال» به معنای «مردان» در مقابل «نساء» به معنای «زنان»، حکایت از آن دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتماً باید از میان مردان باشند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). بر اساس این دیدگاه، «هدف اصلی قانون اساسی از ذکر رجال مذهبی معنی

لغوی آن است. در نتیجه زنان نمی‌توانند به ریاست‌جمهوری انتخاب شوند» (وفادار، ۱۳۷۷: ۵۶۰). قائلین به این نظر، این‌چنین استدلال می‌کنند که «کلمهٔ "رجال" دارای معنایی مشخص است و می‌دانیم که اصل بر این است که کلمات در معانی حقیقی خود به کار رفته‌اند و چنانچه معنای مجازی مدنظر گوینده باشد، لازم است قرینه‌ای دلالت بر آن کند. بنابراین اصل بر آن است که منظور قانونگذار معنای حقیقی کلمه "رجال" بوده و در صورتی که معنای مجازی آن یعنی افراد شاخص و برجسته در مذهب و سیاست بوده باشد مقتضی است تا قرینه‌ای بر این معنی ارائه شود» (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۷۱: ۲۸۱).

دوم، ریاست‌جمهوری نوعی اعمال ولایت است و با توجه به اینکه در فقه شیعه ولایت منحصر به مردان است لذا، زنان از نظر اسلام نمی‌توانند رئیس‌جمهور باشند (منتظری، ۱۳۷۹، ۹۹).

در همین زمینه مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: از عمومیت علت در آیه ۳۴ سوره نساء^۲ به دست می‌آید که حکمی که مبتنی بر آن علت است یعنی قیم بودن مردان بر زنان عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست و چنان نیست که مردان تنها بر همسر خود قیمومت داشته باشند، بلکه حکمی برای نوع مردان و بر نوع زنان جعل شده است (المیزان، بی‌تا: ۳۴۳). آیت الله منتظری نیز در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی در تلاش برای اثبات عدم جواز شرعی زمامداری زنان، پس از اشاره به هفده روایت مختلفی که فقها در مورد نفی زمامداری زنان نقل نموده‌اند (منتظری، ۱۳۶۹: ۱۳۱-۱۲۰)، اعلام می‌دارد که از مجموع روایاتی که پیرامون نهی از زمامداری زنان وارد شده است، قطع اجمالی حاصل می‌شود که برخی از آنها از معصومین صادر شده است (همان: ۱۲۹).

اعلام‌نظر آیت‌الله مقتدایی مبنی بر اینکه ریاست‌جمهوری شاخه‌ای از ولایت است و بنابراین در ریاست‌جمهوری نیز مرد بودن شرط است (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۰۸) و همچنین نظر مرحوم عمید زنجانی مبنی بر اینکه اختیارات اجرایی و اقتدارات حکومتی رئیس‌جمهور معمولاً با اعمال یک‌نوع ولایت و حاکمیت همراه است (عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۱۸۴)، نیز در همین گروه جای دارند.

سوم، مخالفین ریاست‌جمهوری زنان با اشاره به تفاوت‌های زنان و مردان در نظام آفرینش از یک سو و خطیر بودن وظیفه حکومت از سوی دیگر، اعلام می‌دارند که این مسئولیت سنگین با ظرافت‌های جسمی و روحی زنان ناسازگار است (منتظری، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۰۹). استدلال آقای جواد فاتحی نماینده حوزه کردستان در مجلس بازنگاری نهایی

قانون اساسی نیز بر همین اساس مطرح شده است؛ «چون عاطفه و احساسات در زن قوی و عقل کم است (اعتراض نمایندگان) روی این اصل خواسته است حکومت و قضاوت در اسلام به زن نرسد و این از مسلمات فقه اسلام است و اصل قیام ما از چهارده قرن قبل روی همین برنامه استوار بوده است که در اسلام حکومت به زن نمی‌رسد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۷۱).

پس از تبیین اجمالی دلایل مخالفین با ریاست جمهوری زنان در ادامه، ادله موافقین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. دلایل موافقان با ریاست جمهوری زنان

مباحث صورت گرفته توسط این گروه، بیشتر ناظر بر سه محور ذیل می‌باشد. نخست، معنای عرفی کلمه «رجال»، دوم، تفاوت ریاست جمهوری با اعمال ولایت یا جواز شرعی ولایت بانوان، سوم، مقتضیات اصل مساوات و جواز.

در خصوص معنای کلمه رجال، آیت الله موسوی بجنوردی با تأکید بر اینکه عدم استفاده قانونگذار اساسی از کلمه مردان قرینه‌ی اشاره‌ی این کلمه به شخصیت‌ها، بزرگان و افراد برجسته است، نتیجه می‌گیرد که عبارت «رجال» در اصل «۱۱۵» قانون اساسی آمده فقط بر «مردان» اطلاق نمی‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶: ۳). دکتر اسدالله امامی نیز با اتخاذ همین رویکرد، در پاسخ به سوال کمیته زنان مجلس شورای اسلامی در خصوص معنای کلمه رجال، اعلام داشتند که به نظر اینجانب «رجل» مذکور در اصل «۱۱۵» در معنای مطلق به کار رفته و ناظر به هر انسان اعم از ذکور یا اناث است (گرامی، ۱۳۸۴: ۹). با توجه به اینکه دکتر سید حسین صفایی نیز در پاسخ به سوال کمیته مذکور، بیان می‌دارد «از لحاظ شرعی و فقهی تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد منعی برای انتخاب زنان به سمت رئیس‌جمهور در صورتی که واجد شرایط مذکور در اصل «۱۱۵» باشند وجود ندارد» (همان)، لذا این حقوقدان نیز شرط «رجل بودن» را «ناظر» به «مرد بودن» نمی‌داند.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه به باور بیشتر صاحب‌نظران اگر ریاست‌جمهوری نوعی اعمال ولایت تلقی شود، زنان از تصدی این سمت محروم خواهند بود (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۳)، لذا برخی از موافقین با ریاست جمهوری زنان در تلاش‌اند ثابت کنند که ریاست‌جمهوری از ولایت متمایز می‌باشد. در همین راستا، آیت الله سید حسین موسوی تبریزی اعلام می‌دارد. «آنچه مسلم است نه در شرع نه در فقه هیچگونه منعی برای رئیس‌جمهور شدن

خانمها وجود ندارد و اختلاف نظر فقها در خصوص امکان ولایت امت، قضاوت، افتاء و مرجعیت تقلید برای خانم‌هاست که حتی آن هم به نظر حقییر دلیل محکمی ندارد» (خبرگزاری مهر، ۵ آبان ۱۳۸۳). اعلام نظر خانم گرجی، تنها نماینده زن مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مبنی بر اینکه ریاست جمهوری به معنای ولایت و در مرتبه رهبریت و امامت نیست بلکه یک قدرت اجرایی و یک وکالت است. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون نهایی، ۱۳۶۴: ۱۷۷۰) را نیز می‌توان در همین راستا نگرست.

نکته قابل تأمل اینکه برخی دیگر از موافقین ریاست جمهوری زنان، به جای استدلال در جهت اعمال ولایت نبودن ریاست جمهوری» یا «عدم ملازمه ولایت با قضاوت»، بر «عدم ممنوعیت شرعی ولایت و قضاوت بانوان» تأکید می‌کنند تا به استدلال کسانی که معتقدند، «بر اساس بحث‌های مبسوط فقهی، زنان نمی‌توانند به سمت حاکمیت به خصوص در سطح ریاست جمهوری دست یابند» (یزدی، ۱۳۷۵: ۵۸۱)، پاسخ دهند. در این زمینه می‌توان به اعلام نظر آیت‌الله بهشتی اشاره کرد که؛ «برای خود من دلایلی که در روایات آورده می‌شود که زن نمی‌تواند زمامدار و رئیس جمهور باشد کافی نیست و هیچ وقت هم کافی نبوده است. از ابتدا که در این مساله به صورت بررسی اجتهادی تحقیق کردم، دلایل برایم غیر کافی بوده است» (بهشتی، ۱۳۷۷: ۳۵-۳۴؛ هدایت‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۹-۴۶). عقیده‌ی علامه شمس‌الدین مبنی بر اینکه «نمی‌توان بر پایه کتاب، سنت و وجوه استحسانی ثابت کرد که رئیس دولت باید مرد باشد» را نیز در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد (شمس‌الدین، ۱۳۷۶: ۱۲۰-۱۱۹). آیت الله صانعی نیز از جمله فقیهانی است که قائل به جواز قضاوت و ولایت زنان بوده و می‌گوید؛ همانگونه که شرط ذکوریت در مرجعیت و ولایت شرط نیست در قضاوت هم نیست (آیت الله صانعی، ۱۳۸۰: ۲۹۸). بر همین اساس، وی در مصاحبه با روزنامه آساهی ژاپن می‌گوید؛ «زنان در حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مثل مردها هستند و لذا زن می‌تواند رئیس‌جمهور و ولی فقیه بشود» (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

یکی دیگر از دلایلی که موافقین با ریاست جمهوری زنان ابراز می‌دارند مقتضیات اصل جواز و اصل مساوات است. اصل جواز مبتنی بر این مقدمه است که انسان‌ها از هیچ کاری ممنوع نیستند و از هیچ حقی محروم نمی‌باشند، مگر آنکه ممنوعیت یا محرومیت صریحاً در قانون ذکر شده باشد. شأن قانونگذار، تحدید اراده افراد و بیان مرز اختیارات آنان است که به وسیله امر و نهی مقصود خود را بیان می‌کند. وجود الزامات قانونی (امر و نهی و هر چه اختیار انسان را محدود می‌کند) محتاج نص قانون است نه عدم الزامات قانونی (جعفری

لنگرودی، ۱۳۷۰: ۶۶). بدین ترتیب، وقتی قانونگذار شرایطی را برای تصدی بعضی مناصب حکومتی وضع می‌کند، کسانی که واجد شرایط مذکور نیستند از رسیدن به این مناصب محروم می‌شوند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۹).

از سوی دیگر، اصل مساوات، از اصول مهم در قوانین بین‌المللی و قوانین داخلی است که در ماده‌ی یک و هفت اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است. به موجب ماده یک اعلامیه‌ی مذکور؛ «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند» و وفق ماده هفتم آن اعلامیه؛ «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالاسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند». ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی نیز ضمن بر شمردن انواع و ابعاد برابری بیان می‌کند: «قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص، حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند». در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل (۲۰) قانون اساسی اشعار می‌دارد؛ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» لذا، طبق قانون اساسی اصل بر تساوی حقوق زن و مرد است مگر خلاف آن ثابت شود. در اصل ۱۱۹ قانون اساسی نیز به برابری یا مساوات اشاره شده است. این اصل بیان می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در این اصل اگر چه از جنسیت نام برده نشده، ولی موارد مذکور نیز از باب نمونه بوده و حصری نبودن آن از عبارت «و مانند این‌ها» به خوبی معلوم می‌شود. همچنین مطابق اصل ۲۱ قانون اساسی؛ «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او؛ و...». حقوق معنوی زن که باید توسط دولت (به معنای عام) «تضمین» و «احیا» شود، مصادیق فراوانی دارد که بی‌گمان، حق انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور یکی از مصادیق مهم آن است. (همان). بنابراین، اصل مساوات و برابری ایجاب می‌کند که زنان نیز مانند مردان بتوانند برای ریاست جمهوری داوطلب شوند.

بنا به آنچه گفته شد موافقین با ریاست‌جمهوری زنان بر این عقیده‌اند که برای تفسیر واژه مجمل رجال در اصل (۱۱۵) باید به اصل تساوی و جواز مراجعه کرده و آن را ناظر به مطلق انسانها فارغ از جنسیت آنها بدانیم.

پس از اشاره‌ی اجمالی به محورهای اصلی مباحث موافقین و مخالفین با ریاست‌جمهوری زنان، در ادامه مذاکرات مجلس بازننگری نهایی قانون اساسی به عنوان کاشفِ قصدِ قانونگذار اساسی از به کار بردن کلمه‌ی «رجال»، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴. مذاکرات مجلس بازننگری نهایی

اصل ۱۱۵ قانون اساسی (اصل ۸۸/۱) به عنوان هفتمین موضوع در نشست شصت و چهارم مجلس بازننگری نهایی قانون اساسی مطرح شد. ابتدا، متن پیشنهادی برای این اصل، بدین شرح بود؛ «رئیس‌جمهور باید ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای مذهب رسمی کشور و مروج آن، مومن به مبانی جمهوری اسلامی ایران، مرد و دارای حسن سابقه و امانت و تقوا باشد». (صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی بازننگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۷۶۶). بررسی مذاکرات مجلس بازننگری نهایی قانون اساسی حاکی از آن است که آقای عضدی و خانم گرجی به عنوان مخالف و آیت الله منتظری و آقای جواد فاتحی، تحت عنوان موافق درج شرط «مرد بودن» برای ریاست‌جمهوری، سخن گفتند. با توجه به اینکه آقای عضدی دلیل مخالفت خود را با آوردن لفظ «مرد» تحصیل حاصل بودن این لفظ عنوان نمود (همان: ۱۷۶۷)، لذا به نظر میرسد دلیل مخالفت مشارالیه نه امکان تصدی پست ریاست‌جمهوری توسط زنان، بلکه باور ایشان به بداهتِ ضرورتِ مرد بودن رئیس‌جمهور بود.

یکی دیگر از کسانی که با ذکر کلمه مرد در عداد شرایط رئیس‌جمهور، مخالفت کرد، خانم گرجی، تنها نماینده زن مجلس خبرگان بود. به عقیده او، ریاست‌جمهوری نه ولایت، بلکه نوعی قدرت اجرایی و وکالت بوده و بنابراین منحصر به مردان نیست. همچنین وی با اشاره به ضرورت تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری توسط رهبر، تصریح کرد که چنانچه ریاست‌جمهوری زنان با اسلام مخالف باشد، رهبر قادر است حکم ریاست‌جمهوری زنان را امضاء نکند (همان: ۱۷۷۰).

اما قائلین به ضرورت تصریح به شرط «مرد بودن» برای رئیس جمهور، آیت الله منتظری و آقای جواد فاتحی بودند. دلایل آیت الله منتظری برای این امر را می توان در قالب دو استدلال اصلی ذیل خلاصه کرد؛

نخست، فقهای شیعه بر منحصر بودن ولایت و حکومت به مردان اجماع دارند فلذا، این موضوع از مسلمات فقه است.

دوم، حکومت حق نیست بلکه مسئولیتی سنگین است که اسلام آن به لحاظ اهمیت و سختی اش بر دوش زنان نگذاشته است (همان: ۱۷۶۸).

آقای فاتحی به عنوان دومین موافق اصل مشتمل بر مرد بودن رئیس جمهور، مباحثش را حول سه محور عدم توانایی زنان برای حکومت و قضاوت به لحاظ قوی بودن احساسات و کم بودن عقل، عدم جواز ولایت و قضاوت زنان به عنوان یکی از مسلمات فقه و در نهایت، ملازمه ریاست جمهوری با ولایت و قضاوت عنوان نمود (همان).

پس از سخنان موافقین و مخالفین، اصل مذکور به رأی گذاشته شد که بار اول به علت تفاوت تعداد کل آرا (۶۸ رأی) با تعداد حاضرین (۶۲ نفر)، نتیجه رأی گیری مخدوش اعلام شده و در نتیجه اصل مذکور برای بار دوم به رأی گذاشته شد. در مرتبه دوم نیز با توجه به اینکه تعداد آراء ۶۴ رأی و تعداد حاضرین ۶۲ نفر بودند، ۲ رأی به قرعه خارج شده و در نهایت این اصل با چهل و پنج رای موافق، هشت مخالف و نه ممتنع به تصویب نرسید (همان: ۱۷۷۲).

نکته حائز اهمیت اینکه حسب صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آقای صافی یکی از نمایندگان مجلس بازنگری قانون اساسی در هنگام خروج از جلسه فوق‌الاشاره، در اعتراض به عدم تصویب این اصل، اعلام داشت؛ «معلوم می شود این مجلس احکام مسلم اسلام را هم قبول ندارد» (همان). با توجه به اعلام نظر موافقین اصل مذکور مبنی بر اینکه شرط مرد بودن رئیس جمهور از مسلمات فقه است، به نظر می رسد آقای صافی عدم تصویب اصل فوق‌الذکر را ناشی از عدم اعتقاد نمایندگان به ضرورت مرد بودن رئیس جمهور قلمداد کرده و با توجه به اینکه انحصار حکمرانی به مردان را از مسلمات فقه می دانسته است، به این موضوع معترض بوده است.

با عنایت به عدم تصویب اصل یادشده، هیات رئیسه، همان روز در اصل مذکور تغییراتی داده (کدیور، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و اصل پیشنهادی جدید را در جلسه بعد از ظهر (نشست شصت و پنجم)، بدون بحث مجدد به رأی می گذارد. بر این اساس، اصل ۸۸/۱ (اصل

۱۱۵) به این شرح پیشنهاد می‌شود: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» (صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴:۱۷۹۶). این اصل با پنجاه و دو نفر موافق، چهار نفر مخالف و چهار نفر ممتنع، تصویب می‌شود. (همان: ۱۷۹۷). نکته قابل توجه اینکه رئیس مجلس با اشاره به اینکه در نشست شصت و چهارم در خصوص اصل مذکور زیاد بحث شده است، به اعتراض آقای پرورش مبنی بر اینکه این اصل جدید بوده و قاعدتاً یک موافق و مخالف بایستی در آن خصوص صحبت می‌کردند، وقعی نمی‌نهد که این امر را می‌توان به نوعی حاکی از اراده هیئت رئیسه مجلس نسبت به عدم تبیین و تصریح به معنای «رجل سیاسی و مذهبی» دانست. اعلام نظر شهید بهشتی در این زمینه نیز صحت این استدلال را تقویت می‌کند؛ «متن اصلی به گونه ای تنظیم شده بود که به صراحت حق انتخاب شدن را از زنان سلب می‌نمود. به دلیل مخالفت جمع قابل توجهی از اعضا، این متن رأی نیاورد. بعضی از فقهای حاضر در جلسه نیز با آن متن اولیه مخالف بوده اند؛ به همین دلیل آن متن از دستور خارج شد و متن فعلی به جای آن مطرح گردید. بنابراین، عرض من این است که قانون اساسی فعلی آن قدر مسلم را گفته است؛ یعنی رجال مذهبی می‌توانند زمامدار باشند و فعلاً راجع به زنان مسأله را مسکوت گذاشته است تا وقتی که زمینه فقهاتی گسترده آن به صورت روشن آماده شود. در آن موقع می‌توان این را مطرح کرد و به تصویب رساند» (بهشتی، ۱۳۷۷: ۳۴).

۵. مطالعه تطبیقی

با توجه به اینکه یکی از دلایل مطروحه توسط برخی از مخالفان با ریاست‌جمهوری زنان، مغایرت این امر با موازین فقهی و اسلامی می‌باشد، لذا در این گفتار، مندرجات قوانین اساسی برخی کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی افغانستان، جمهوری اسلامی پاکستان، جمهوری ترکیه، جمهوری سوریه و جمهوری عراق در خصوص شرایط لازم جهت ریاست‌جمهوری مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در رابطه با امکان قانونی ریاست‌جمهوری زنان در کشورهای فوق، اعلام نظر گردد.

۵۰ تأملی حقوقی بر معنای «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی

طبق ماده «۶۲» قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان؛ شخصی که برای ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.

۲- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد.

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.^۳

بر این اساس، در قانون اساسی افغانستان، شرط مرد بودن برای نامزدهای ریاست جمهوری، درج نشده است.

در خصوص امکان قانونی ریاست جمهوری برای زنان در پاکستان نیز خاطر نشان می شود که اصل چهل و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، شرایط شخصی رئیس جمهور را صرفاً محدود به مسلمان بودن، حداقل سن چهل و پنج سال و وجود شرایط عضویت در مجلس ملی نموده است.^۴ شایان ذکر است که در اصل «۵۱» قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان که به شرایط عضویت در مجلس ملی می پردازد، شرط مرد بودن درج نگردیده است.^۵

در رابطه با شرایط ریاست جمهوری در جمهوری ترکیه، ماده «۱۰۱» قانون اساسی این کشور مقرر می نماید؛ رئیس جمهور با دارا بودن چهل سال تمام و تحصیلات عالی از میان اعضای مجلس ترکیه یا با برخورداری از ویژگی ها و صفات لازم برای انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس، از میان شهروندان ترک از جانب مردم انتخاب می شود.^۶ درباره شرایط لازم برای نمایندگی مجلس، ماده (۷۶) همین قانون اشعار می نماید؛ هر ترک که دارای بیست و پنج سال تمام باشد می تواند به عنوان نماینده مجلس ترکیه انتخاب شود. بر این اساس، در ترکیه نیز شرط جنسیت برای رئیس جمهور وجود ندارد. شایان ذکر است که علیرغم اینکه به موجب همه پرسی ۱۵ آوریل سال ۲۰۱۷، اصلاح برخی از مواد قانون اساسی جمهوری ترکیه از جمله ماده (۱۰۱) مورد موافقت اکثریت شرکت کنندگان در همه پرسی قرار گرفت، لیکن تغییرات ماده مذکور ناظر به شرط جنسیت رئیس جمهور نبود (شاهین، ۲۰۱۷).

در جمهوری عربی سوریه نیز به موجب ماده ۸۴ قانون اساسی این کشور، نامزد مقام ریاست جمهوری باید عرب، تبعه سوریه، دارای همسر سوری، اقامت حداقل ده ساله در

سوریه، دارای چهل سال تمام و دارای اهلیت تمتع از حقوق مدنی و سیاسی باشد.^۷ شایان ذکر است که شرایط جدیدی که طبق ماده «۳۰» قانون جدید انتخابات ریاست جمهوری سوریه مصوب ۲۰۱۴ برای ریاست جمهوری درج شده است، مشتمل بر شرط جنسیت نمی باشد (کالین، ۲۰۱۴).

در رابطه با شرایط قانونی نامزدهای ریاست جمهوری در عراق نیز، طبق ماده ۶۸ قانون اساسی عراق، نامزدهای ریاست جمهوری باید شرایط زیر را دارا باشند

- ۱- از پدر و مادر عراقی متولد شده باشد.
 - ۲- شایستگی و لیاقت کامل داشته باشد و چهل سال او تکمیل شده باشد.
 - ۳- از وجهه‌ای خوب و خبرگی سیاسی برخوردار باشد و سلامت و پایداری، عدالت، اخلاص به میهن در او مشهود باشد.
 - ۴- به ارتکاب جرایم مشتمل بر رذایل اخلاقی محکوم نشده باشد.^۸
- بر این اساس، مشاهده می شود که در جمهوری عراق نیز برای ریاست جمهوری شرط جنسیت ذکر نشده است.
- بنا به آنچه گفته شد در قوانین اساسی کشورهای افغانستان، پاکستان، سوریه، عراق، ترکیه، ریاست جمهوری زنان با منع قانونی مواجه نمی باشد.

۶. بررسی دلایل مخالفین

قبلاً اشاره شد که ادله حقوقی و فقهی مخالفین با ریاست جمهوری زنان عمدتاً حول سه محور اصلی تفسیر لفظی معنای «رجل» در اصل (۱۱۵) قانون اساسی؛ ملازمه بین ریاست جمهوری با اعمال ولایت، اجماع فقها بر عدم جواز ولایت و حکمرانی زنان و همچنین عدم توانایی روحی و جسمی زنان برای انجام مسئولیت خطیر ریاست جمهوری می چرخد. بر این اساس، در ادامه این سه موضوع مورد بررسی قرار می گیرد.

همانگونه که در مباحث قبلی گفته شد، در خصوص معنای کلمه «رجال» در اصل «۱۱۵» قانون اساسی، دو دیدگاه عمده مطرح است؛

نخست، در زبان عربی رجال به معنی مردان، جمع رَجُل به معنی مرد است. در نتیجه، زنان فاقد شرایط ریاست جمهوری هستند. به باور این گروه، معنی حقیقی و موضوع له رجال مردان است و معانی دیگر مجازی از جمله شخصیت‌ها و برجستگان نیازمند به قرینه

هستند و در موارد شک نیز باید به اصل و قدر متیقن اکتفا نمود (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۷۱: ۲۸۱). بنابراین، در اصل (۱۱۵) به خاطر عدم استفاده از قرینه صارفه، رجل حمل بر معنی حقیقی خود یعنی مردان می‌شود. این گروه در پاسخ به کسانی که علت عدم درج کلمه «مردان» در اصل مذکور را جویا می‌شوند، دلیل این امر را جلوگیری از سوءاستفاده کشورهای غربی و مخالفین، می‌دانند. به عنوان نمونه، آیت‌الله یزدی در این باره اعلام می‌دارد؛ «برای آنکه این مطلب با تعبیری سنگین‌تر که سوژه‌ای برای دیگران نشود، بیان شود، تعبیر رجال انتخاب شد» (یزدی، ۱۳۷۵: ۵۸۱).

در مقابل گروه اول، عده‌ای بر این عقیده‌اند که در اصل (۱۱۵) معنی لغوی رجال اراده نشده، بلکه رجال به معنی اشخاص سرشناس و برجسته و اعم از زنان و مردان است. در نتیجه، زنان نیز همانند مردان می‌توانند رئیس‌جمهور شوند. قائلین به این دیدگاه، بر این باورند که در مبانی فقهی اسلام هر جا که در کنار کلمه رجال اسمی از زنان آورده نشده است، این عبارت به معنای اشخاص است. بنابراین، رجال در قانون به معنای شخصیت‌ها است نه مردان (جناتی، ۷۹). همچنین این گروه اینگونه استدلال می‌کنند که در قانون اساسی اگر منظور نظر مردان بود، دیگر لزومی به استفاده از کلمه رجال وجود نداشت و مستقیماً از کلمه مردان استفاده می‌شد. چرا که در تدوین قانون، حال هر قانونی که باشد، نباید قانونگذار بیانی به کار ببرد که ابهام و اجمال داشته باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶: ۳).

در بررسی ادله‌ی دو گروه فوق، بایستی گفت که اگرچه کلمه «رجال»، در بیشتر مواقع به مردان اطلاق می‌شود، لیکن در موارد زیادی به معنای مطلق انسان و در برخی مواقع نیز به مفهوم اشخاص برجسته به کار رفته است. به عنوان نمونه این لفظ (۲۵) بار در قرآن کریم عنوان شده است که از آن میان (۱۸) مرتبه به معنای «مردان» و «۷» بار در معنای عام زنان و مردان آمده است. این ۷ بار عبارتند از آیات ۶ سوره جن، ۹ سوره توبه، ۱۰ سوره نور، ۱۱ سوره احزاب، ۱۲ سوره ص، ۱۳ سوره اعراف، ۱۴ و ۴۸ سوره اعراف^{۱۵}. بنابراین در قرآن کریم نیز در برخی موارد، کلمه رجال در معنای لفظی خود به کار نرفته است.

از سوی دیگر، تأمل در مذاکرات مطروحه در نشست شصت و چهارم و شصت پنجم مجلس بازننگری قانون اساسی که اصل (۱۱۵) در آن مورد بحث قرار گرفته است، مبین این نکته است که در نشست شصت و چهارم، اصل مشتمل بر شرط «مرد بودن» رئیس‌جمهور، به تصویب نرسید. متعاقباً هیئت رئیسه مجلس بازننگری قانون اساسی، شرط «مرد بودن» را

به «رجل بودن» تغییر داده و اصل مذکور را بدون اجازه جهت صحبت موافق و مخالف، در نشست شصت و پنجم به رأی می‌گذارد. در نهایت، اصل اصلاحی جدید، به تصویب می‌رسد. بر این اساس، با توجه به عدم تصویب اصل مشتمل بر شرط «مرد بودن» و تصویب اصل متضمن شرط «رجل بودن» رئیس‌جمهور، می‌توان ادعا کرد که مراد نمایندگان مجلس بازننگری قانون اساسی از عبارت «رجال» معنای لفظی آن یعنی «مردان» نبوده است زیرا چنانچه این معنا را در ذهن داشتند اصل مشتمل بر ضرورت مرد بودن رئیس‌جمهور را تصویب می‌کردند. با این حال، به نظر می‌رسد هیئت رئیسه مجلس مذکور، از یک سو با عنایت به عدم موافقت اکثریت نمایندگان با درج شرط «مرد بودن» برای رئیس‌جمهور و از سوی دیگر با درک حساسیت‌های برخی از فقها در خصوص ریاست‌جمهوری زنان در آن برهه تاریخی، با درج عبارت «رجل» در این اصل بر آن بودند که معنای عبارت «رجل» را مجمل و تفسیربردار باقی بگذارند. بر این اساس، می‌توان با این نظر هم‌عقیده بود که «قانون‌گذار اساسی به درج عبارت مبهم «رجل سیاسی» در اصل صدوپانزدهم قانون اساسی مبادرت می‌کند تا با قراردادن این «ابهام فضیلت‌مدار» در آن زمان به جنجال‌های موجود زمان خود پایان داده و تکلیف موضوع را به آیندگان بسپارد تا در زمان موعود با تفسیر آن، چه به صورت رسمی یا غیررسمی و تلویحی و ضمنی، زمینه‌های ورود زنان را به مهم‌ترین انتخابات سیاسی کشور فراهم کند (جلالی، ۱۳۹۶: ۱).

همانگونه که گفته شد یکی از دلایل درج عبارت مبهم «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی را می‌توان اعلام نظر مخالفین مبنی بر «اجماع فقها بر عدم جواز ریاست‌جمهوری زنان» دانست. بر این اساس، در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت. در پاسخ به ادعای اجماع فقهای شیعه بر عدم جواز ریاست‌جمهوری زنان، این اعلام نظر آیت‌الله بهشتی راهگشا خواهد بود که

در این که خانم‌ها می‌توانند رییس‌جمهور باشند یا خیر، در میان فقها، چه در میان مراجع و چه در میان فقیهان مجلس خبرگان، نظر یکسانی وجود نداشت. عده‌ای آن را منطبق با موازین اسلام می‌دانستند و عده‌ای نمی‌دانستند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۸).

در این رابطه بایستی توجه داشت که کسانی که عدم جواز ریاست‌جمهوری زنان را مورد اجماع همه فقها و از مسلمات فقه می‌دانند بر این امر صحنه می‌گذارند که ریاست‌جمهوری موضوعی جدید و از مستحدثات است لیکن آن را در زمره اعمال ولایت قرار داده و سپس با ادعای اجماع فقها بر عدم جواز ولایت زنان، اعلام می‌دارند که در

اسلام ریاست‌جمهوری منحصر به مردان است. در پاسخ، می‌بایست صحت دو ادعا مورد نقد و بررسی قرار گیرد؛ نخست، ریاست‌جمهوری نوعی اعمال ولایت است. دوم، فقها بر عدم جواز ولایت زنان، اجماع دارند.

در رابطه با ملازمه ریاست‌جمهوری با اعمال ولایت، خاطرنشان می‌گردد که با توجه به اینکه اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند...» و با عنایت به اینکه اصل یکصد و سیزدهم نیز تصریح می‌کند: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد»، لذا قانون اساسی بین ولایت امر و امامت امت که منحصر به ولی فقیه است با ریاست قوه مجریه و مسئولیت اجرای قانون اساسی که شأن رئیس‌جمهور است، تمایز قائل شده است.

همچنین با توجه به اینکه اصل پنجم قانون اساسی با بیان اینکه «در زمان غیبت حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد»، بر این امر صحه می‌گذارد که ولایت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران اختصاص به فقها دارد و با عنایت به اینکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فقاقت جزو شرایط رئیس‌جمهور نمی‌باشد، لذا قانونگذار اساسی نیز بر عدم ملازمه ریاست‌جمهوری با ولایت صحه می‌گذارد.

بنا به آنچه گفته شد، با توجه به انتخابی بودن رئیس‌جمهور، ریاست‌جمهوری از مصادیق امور اجرائی و وکالت بوده و ماهیتاً با ولایت متفاوت می‌باشد.

علیرغم عدم ملازمه بین ریاست‌جمهوری با ولایت، شایان ذکر است که حتی در خصوص ضرورت مرد بودن زمامدار و حاکم نیز بین فقها اجماع وجود ندارد. به عنوان نمونه علامه شمس‌الدین صراحتاً ادعای اجماع فقها بر انحصار قضاوت و ولایت به مردان را رد می‌کنند (شمس‌الدین، ۱۳۷۶: ۱۰۶). و

فقیه فرزانه محقق اردبیلی ادله قائلین به شرط مرد بودن قاضی را کافی ندانسته و بر آن است که هرگاه اجماعی بودن این شرط ثابت نشود ظاهراً دلیلی بر جایز نبودن قضای زن در مسائلی که ورود زن به آن مسائل شرعاً حرام گردیده نداریم (بجنوردی، ۱۳۸۱: ۳۸۹).

به منظور تبیین عدم اجماع فقها بر انحصار ولایت و حکومت به مردان، در ادامه به طور اجمالی به تفاسیر متفاوت فقهای مختلف در رابطه با آیه ۳۴ سوره مبارکه‌ی نساء که به عنوان یکی از دلایل عدم جواز زمامداری زنان، ذکر شده است، اشاره می‌شود.

به موجب آیه ۳۴ سوره نساء، «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند». عده‌ای از فقها همچون آیت‌الله گلپایگانی معتقدند جمله «الرجال قوامون علی النساء» در قیومیت مردان بر زنان ظهور دارد و لازمه قیومیت، سلطنت مردان و حکومت بر زنان است. آنان در پاسخ به این نظر که «آیه در مورد رابطه خاص میان زن و شوهر وارد شده و بر قیومیت زوج بر زوجه دلالت دارد نه قیومیت مردان بر زنان»، بیان می‌کنند: «چگونه ممکن است زن در منزل خود و بر شوهر خود قیومیت و سلطنت نداشته باشد ولی در بیرون منزل بر مردان دیگر قیومیت و سلطنت داشته باشد؟» (گلپایگانی، بی‌تا: ج ۱: ۴۴).

از سوی دیگر برخی صاحب‌نظران اسلامی بر این باورند که «این آیه در صورتی می‌تواند دلیلی بر نفی صلاحیت زنان برای حکومت باشد که اولاً، واژه «الرجال» و «النساء» به معنای مردان و زنان؛ ثانیاً، واژه «قوام» به معنای ولایت و سلطنت باشد؛ که در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: «مردان ولی زنان بوده و بر آنان مسلط هستند». در حالی که این برداشت از آیه در هر دو مورد به شدت مورد تردید است زیرا به باور برخی فقها، واژه رجال به معنای شوهران (ازواج) و واژه نساء به معنای همسران است. آنچه این برداشت را تایید می‌کند، جمله «بما فضل الله بعضهم علی بعض» است. این جمله می‌رساند که مقصود قیومیت همه مردان بر همه زنان نیست؛ زیرا اگر این معنا مراد بود باید می‌فرمود: بما فضلهم علیهن» (طریحی، ۱۳۶۷: ۵۶۴). همچنین از جمله‌ی «بما انفقوا من اموالهم» در ادامه آیه معلوم می‌شود قرآن کریم در صدد بیان رابطه خاص میان زن و شوهر است (هدایت نیا، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). در همین راستا، برخی از فقها در این رابطه نوشته‌اند: «اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح است، هرگز مرد قوام و قییم زن نیست و زن هم در تحت قیومیت مرد نیست. بلکه قیومیت مربوط به موردی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۹۱). بنابراین از دید این فقها، «الرجال قوامون علی النساء، مربوط به زن در مقابل شوهر است، نه زن در مقابل مرد» (همان: ۱۳۹۳). همین برداشت را برخی دیگر از فقها از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله سبحانی نیز بیان کرده‌اند (منتظری، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق: ۵۸). سید کاظم حائری در همین رابطه می‌نویسد؛ در اسلام قوامیت و ولایت برای جنس مرد نسبت به جنس زن ثابت نبوده

و به عنوان مثال ولایت برادر نسبت به خواهر اثبات نشده است. بلکه صرفاً ولایت مرد بر زن در زندگی خانوادگی قابل اثبات است^{۱۶} (حائری، ۱۴۱۵.ه.ق: ۷۶).

علاوه بر موارد فوق، خاطر نشان می شود که با توجه به اینکه فقهای همچون علامه مجلسی، میرزا ابوالقاسم ابن حسن گیلانی قمی از فقهای عصر قاجار،^{۱۷} سید جعفر ابن ابی اسحاق دارابی بروجردی کشفی^{۱۸} از شاگردان علامه بحرالعلوم، شیخ فضل الله نوری،^{۱۹} میرزا حسن شیرازی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت الله محمدعلی اراکی به طور کلی بر این عقیده اند که ادله فقهی، نحوه خاصی از حکومت را برای زمان غیبت، به دست نمی دهد (اراکي، ۱۴۱۵: ۲۴)، بنابراین حتی به ادعای اجماع فقها در مورد خصوص حکومت و ولایت در زمان غیبت بایستی به دیده شک نگریست چه رسد به اجماع آنان در خصوص شرایط حاکم از جمله جنسیت وی.

در پایان در پاسخ به استدلال برخی مخالفین مبنی بر عدم توانایی جسمی، روحی و اجتماعی زنان برای ریاست جمهوری، خاطر نشان می سازد که تعدادی از صاحب نظران حقوقی و فقهی همچون علامه فضل اله، آیت الله صانعی و دکتر اسداله امامی قائل به امکان احراز توانایی لازم توسط زنان برای احراز این پست می باشند. به عنوان مثال دکتر امامی در نظر مشورتی خود برای کمیته زنان مجلس شورای اسلامی این گونه اعلام می دارد که در نظام خلقت زنان و مردان هر دو در انسانیت مشترکند، لذا در برخورداری از حقوق و مزایای اجتماعی نمی توان بین آنها تفاوتی قائل شد و تبعیض یا تفاوت در این زمینه عقلاً و منطقاً قابل دفاع نیست. بر همین اساس، ایشان با اشاره به آیات ۱ و ۲ سوره نسا و آیه ۳۵ از سوره احزاب و آیات ۱۹ تا ۳۳ از اعراف و آیات ۲۰ تا ۴۴ از سوره نمل به این نتیجه می رسد که از جهت فضیلت و کرامت انسانی و دستیابی به مقامات عالیه معنوی و احراز صلاحیت علمی بین زن و مرد تفاوتی در آیات مذکور ملاحظه نمی گردد (گرامی، ۱۳۸۴: ۸). آیت الله سید محمدحسین فضل الله از فقهای شیعه نیز در باب صلاحیت زنان برای عهده دار شدن مسئولیت ریاست و حکومت کشور، با استناد به تصویری که قرآن کریم از ملکه سبا ترسیم می کند، ادعای عدم توانایی زنان برای حاکمیت را رد می کند (فضل الله، ۱۳۷۸: ۲۸). او ضمن رد دلایلی که ناظر به ناسازگاری طبیعت زن به علت ضعف یا نقصان عقل با ریاست دولت است می گوید،

ضعف به زن اختصاص ندارد بلکه زن و مرد را بالسویه دربر می گیرد. بنابراین زن هم می تواند با چیرگی بر عوامل ضعف درونی توانمندی و قوه عقلانی خود را عرصه های عملی و اداری و کشاکش های اجتماعی و حکومت داری به تصویر بکشد (همان: ۵۹).

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه مقتضای اصل مساوات نیز برابری مردان و زنان در دستیابی به سمت‌های سیاسی و اجتماعی بوده و مقتضای اصل جواز، امکان ریاست‌جمهوری زنان در صورت عدم منع قانونی می‌باشد. بنابراین تنها در صورتی می‌توان زنان را از حق انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور، محروم ساخت که قانون به صراحت آن را بیان نموده باشد. به عبارت دیگر، نیازی به بیان صلاحیت زنان برای احراز سمت ریاست‌جمهوری در قانون نیست. بلکه آنچه محتاج بیان است ذکر عدم صلاحیت آنان در قانون می‌باشد. در این رابطه، مشروح مذاکرات مجلس بازنگاری نهایی قانون اساسی حاکی از آن است که نمایندگان این مجلس اصل مشتمل بر شرط «مرد بودن» رئیس‌جمهور را تصویب نکردند. متعاقباً هیات رئیسه مجلس در اصل پیشنهادی جدید عبارت «رجل سیاسی مذهبی» را به جای «مردان» درج نمود تا هم به حساسیت‌های برخی از فقها و متدینین آن زمان در خصوص ریاست‌جمهوری زنان دامن نزنند و هم دامنه‌ی تفسیر این عبارت را در آینده باز بگذارد که این اصل مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. بر این اساس، روشن است که قصد قانونگذار از درج عبارت «رجال مذهبی و سیاسی» در اصل «۱۱۵»، اشاره به جنسیت رئیس‌جمهور نبوده است. بنابراین نمی‌توان این عبارت را دست‌آویزی برای دست برداشتن از اصل جواز و مساوات قرار داد و به استناد آن زنان توانمندی را که واجد سایر شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی هستند از حق انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور محروم ساخت.

همچنین برخلاف ادعای مخالفین ریاست‌جمهوری زنان، در بین فقها در خصوص انحصار ولایت و حکمرانی به مردان اجماع وجود ندارد زیرا کسانی همچون آیت‌الله اراکی، آیت‌الله حائری و... اصولاً بر این باورند که فقه شیعه در خصوص نحوه حکومت در عصر غیبت مقرر و حکم خاصی ندارد و فقهای هم‌چون محقق اردبیلی، علامه شمس‌الدین، علامه فضل‌اله و آیت‌الله صانعی قائل به شرط مرد بودن برای ولی و حاکم نمی‌باشند. بر این مبنا، استدلال مخالفان ریاست‌جمهوری زنان در خصوص اجماع همه‌ی فقها بر انحصار ولایت و قضاوت به مردان را نیز می‌توان با دیده تردید نگریست.

صرفنظر از مراتب فوق، تأمل در شرایط، وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی مبین آن است که قانونگذار بین شأن رهبری (ولایت) و ریاست‌جمهوری (ریاست قوه مجریه) به روشنی قائل به تفکیک شده است. از این رو در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ریاست‌جمهوری ملازمه‌ای با ولایت و قضاوت نداشته و جزو امور اجرایی

کشور محسوب می‌شود و بنابراین انتخاب زنان به ریاست‌جمهوری مغایر نظر برخی از فقها مبنی بر عدم جواز ولایت زنان نیست. در همین راستا، ذکر این نکته ضروری است که در سالهای اخیر، زنان زیادی برای سمت‌های حاکمیتی و اجرایی وزارت، معاونت و مشاورت ریاست جمهوری، سفارت، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، شهرداری، شورای شهر منتصب و منتخب شده‌اند که این امر حاکی از رشد توانایی‌های اجتماعی زنان و آمادگی ذهنی و فکری جامعه برای سپردن مشاغل حساس و مهم اجرایی به این قشر می‌باشد.

به هر رو، تنها راه رفع قطعی ابهام از کلمه «رجال» در اصل «۱۱۵» قانون اساسی، اعلام نظر تفسیری شورای نگهبان است که با توجه به جزء (۵) بند (۱۰) سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری، اکنون دیگر نه یک اختیار بلکه تکلیفی قانونی است.

در پایان، با توجه به فراخوان عمومی مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۰ شورای نگهبان جهت اعلام نظرات و پیشنهادهای مستدل در خصوص تفسیر عبارت «رجل مذهبی و سیاسی»،^{۲۰} امید است مقالاتی از این دست، در این زمینه مثمر ثمر واقع شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، خانم اعظم طالقانی، از فعالان سیاسی قبل و بعد از انقلاب، به منظور روشن شدن تفسیر شورای نگهبان از کلمه «رجل سیاسی»، برای سومین بار متوالی برای کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد (ایسنا، ۳۰ فروردین ۱۳۹۶) که شورای نگهبان با رد صلاحیت ایشان به استناد مدیر و مدبر نبودن از اظهار نظر صریح در خصوص معنای «رجل سیاسی» و بالتبع جواز یا عدم جواز قانونی ریاست جمهوری برای زنان خودداری کرد (اعتماد، ۱۹ فروردین ۱۳۹۶).

۲. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...

۳. قابل مشاهده در سایت وزارت عدلیه افغانستان به نشانی

<http://moj.gov.af/fa/page/legal-frameworks/168329941684>

۴. قابل مشاهده در سایت مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری به نشانی

<http://nahad.govir.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Instruction&CategoryID=f8ae9a1b-d655-4654-887d-52874fd56c52&WebPartID=d8ffc8f-323f-42a5-b83d-efb138f3829&ID=57b9b70b-33ea-42c4-a2e8-f49452bd7ff1>

۵. قابل مشاهده در سایت سایت مجلس شورای ملی پاکستان به نشانی؛

http://na.gov.pk/uploads/documents/1333523681_951.pdf

۶. قابل مشاهده در سایت مجلس ترکیه به نشانی؛

https://global.tbmm.gov.tr/docs/constitution_en.pdf

۷. قابل مشاهده در سایت، www.voltairenet.org/article173035.html

۸. قابل مشاهده در سایت وزارت داخله‌ی جمهوری عراق به نشانی ذیل؛

http://www.iraqinationality.gov.iq/attach/iraqi_constitution.pdf

۹. وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

۱۰. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

۱۱. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ
الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ

۱۲. مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

۱۳. وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ

۱۴. وَيَبْتِهَمُهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَهُمْ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ
يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

۱۵. وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

۱۶. ان القوامية ليست ثابتة في الاسلام لجنس الذكر على جنس الانثى و لذا لا قوامية للاخ على الاخ
مثلا، و انما هي ثابتة في خصوص الحياة العائلية للزوج على الزوجة.

۱۷. برای اطلاعات بیشتر نک: میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۴۸هجری قمری)، "ارشادنامه"، با مقدمه و
تصحیح حسن قاضی طباطبائی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز، جلد
بیستم، شماره ۳. صص ۳۸۳-۳۶۵.

۱۸. برای اطلاعات بیشتر نک: حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی با
رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۶، صص ۳۵۱-۳۴۲.

۱۹. برای اطلاعات بیشتر نک: ترکمان، محمد، رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات و روزنامه شیخ شهید
فضل الله نوری، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، جلد اول، ۱۳۶۲، صص ۱۱۱- ۱۱۰.

۲۰. قابل مشاهده در سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، مورخ ۱۰ آبان ۱۳۹۵ به آدرس

[http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=bf423863-97e0-](http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=bf423863-97e0-4726-9d81-469068f7f561&WebPartID=6d09f0b5-ba72-4511-9dc4-b46930f2a2c3&Category)

[4726-9d81-469068f7f561&WebPartID=6d09f0b5-ba72-4511-9dc4-b46930f2a2c3&Category](http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=bf423863-97e0-4726-9d81-469068f7f561&WebPartID=6d09f0b5-ba72-4511-9dc4-b46930f2a2c3&Category)

[ID=8fac823a-5745-41b6-a9e2-b879c74deb7b](http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=bf423863-97e0-4726-9d81-469068f7f561&WebPartID=6d09f0b5-ba72-4511-9dc4-b46930f2a2c3&Category)

کتابنامه

فهرست منابع چاپی

- ۱- اراکی، محمدعلی (۱۴۱۵ هجری قمری). کتاب البیع، جلد دوم؛ مساله فی ولایت الفقیه، قم: انتشارات در راه حق.
- ۲- ترکمان، محمد (۱۳۶۲). رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات و روزنامه شیخ شهید فضل الله نوری، جلد اول، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰). حقوق اسلام، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۴- جلالی، محمد (۱۳۹۶). «پیش‌دستی بر شورای نگهبان»، روزنامه شرق، شماره ۲۸۳۷، ۲۳ فروردین ۱۳۹۶.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). زن در آینه جلال و جمال، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۶- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۹). «آیا زنان می‌توانند رئیس‌جمهور شوند»، روزنامه خراسان، تاریخ ۷۹/۱۲/۱۱.
- ۷- حائری، سید کاظم (۱۴۱۵ ه.ق). القضاء فی الفقه الاسلامی، چاپ اول، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- ۸- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۶). نخستین رویارویی های اندیشه گران ایرانی با رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۹- حسینی بهشتی، سید محمد حسین (۱۳۷۷). مبانی نظری قانون اساسی، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی، چاپ اول، تهران: انتشارات بقعه.
- ۱۰- سرستمی، ولی و موسی‌پور، میثم (۱۳۹۰). «تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رئیس‌جمهور»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۴۰-۲۲۵.
- ۱۱- سبجانی، جعفر (۱۴۱۸ ه.ق). نظام القضاء و الشهاده، قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۱۲- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۶). حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، ترجمه محسن عابدی، تهران: انتشارات بعثت.
- ۱۳- صانعی، آیت الله یوسف (۱۳۸۰). منتخب الاحکام (مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی صانعی)، قم: انتشارات میثم تمار.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا). تفسیر المیزان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۵- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷). مجمع البحرین، چاپ دوم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- حمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲). مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات واحد فوق‌برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

- ۱۷- فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۳۷۸). نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۱۸- کدیور، جمیله (۱۳۸۵). «ریاست‌جمهوری زنان»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۲۲۳ و ۲۲۴. صص ۱۱۱-۱۰۲.
- ۱۹- گرامی‌زادگان، اشرف (۱۳۸۴). «رئیس‌جمهوری زنان در ابهام»، *مجله حقوق زنان*، مهر و آبان ۱۳۸۴، شماره ۲۶، صص ۶-۹.
- ۲۰- گلپایگانی، سید محمد رضا (بی تا). *کتاب قضا*، جلد اول، قم: دارالقران الکریم.
- ۲۱- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹). *حکومت اسلامی*، جلد دوم (امامت و رهبری)، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران، نشر تفکر.
- ۲۲- منتظری، حسینعلی (۱۳۶۹). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمود صلواتی، چاپ اول، قم: نشر تفکر.
- ۲۳- مهرپور، حسین (۱۳۷۴). *نظری بر مقام زن و حقوق اجتماعی او از دیدگاه قران کریم*، حقوق بشر و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲۴- موسوی بجنوردی (۱۳۸۱). سید محمد، *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- ۲۵- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید (۱۳۷۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
- ۲۶- هدایت نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۸۲). *اندیشه های حقوقی شهید بهشتی*، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۲۷- هدایت نیا گنجی، فرج‌اله (۱۳۸۵). «ریاست‌جمهوری زنان؟»، *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، سال هشتم، شماره ۳۱. صص ۶۰-۲۶.
- ۲۸- وفادار، علی (۱۳۷۷). *حقوق اساسی و تحولات سیاسی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات شروین.
- ۲۹- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران: حاکمیت و نهادهای سیاسی*، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.

فهرست منابع الکترونیکی

- ۱- آمار نهایی ثبت‌نام انتخابات ریاست جمهوری؛ ۱۶۳۶ نفر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شدند، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۹۶/۱/۲۶، قابل دسترسی در آدرس <http://www.isna.ir/news/961396/5/1>. تاریخ خریدن بازیابی؛ ۱۳۹۶/۵/۱

۶۲ تأملی حقوقی بر معنای «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی

- ۲- اعظم طالقانی: هیچ زنی برای ریاست‌جمهوری مدیر و مدبر نبود؟ خبرگزاری رویداد، مورخ ۱۳۹۶/۲/۹، قابل دسترس در آدرس <http://www.rouyad24.ir/fa/news/54299>. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۲۰.
- ۳- بیانیه اعظم طالقانی درباره تعریف رجل سیاسی، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۹۶/۱/۳۰، قابل دسترسی در آدرس <http://www.isna.ir/news/96013013942>. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۲۲.
- ۴- شورای نگهبان می‌کوشد تا انتخابات موضوع رجل سیاسی را روشن کند، جام جم آنلاین، مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۳، قابل دسترسی در آدرس <http://jjo.ir/LVQAAtC>. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۵/۱۶.
- ۵- فراخوان شورای نگهبان جهت بهره‌مندی از نظرات کارشناسان و شهروندان جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست‌های کلی انتخابات، سایت اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، ۱۳۹۵/۸/۱۰، قابل دسترسی در آدرس؛ <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=bf423863-97e0-4726-9d81-469068f7f561&WebPartID=6d09f0b5-ba72-4511-9dc4-b46930f2a2c3&CategoryID=8fac823a-5745-41b6-a9e2-b879c74deb7b>
- تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۲۸.
- ۶- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). جلد دوم، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. قابل دسترسی در آدرس؛ http://majlesekhobregan.ir/fa/pdf/tadvin_qaanoon_asaasi/qaanoon-e_asaasi-3.pdf
- تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۳۰.
- ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قابل مشاهده در سایت وزارت عدلیه افغانستان به آدرس؛ <http://moj.gov.af/fa/page/legal-frameworks/168329941684>. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۱۴.
- ۸- قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، قابل مشاهده در سایت مجلس شورای ملی پاکستان به آدرس؛ http://na.gov.pk/uploads/documents/1333523681_951.pdf
- تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۲۹.
- ۹- قانون اساسی جمهوری ترکیه، قابل مشاهده در سایت مجلس ملی ترکیه به آدرس؛ https://global.tbmm.gov.tr/docs/constitution_en.pdf. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۲۰.
- ۱۰- قانون اساسی جمهوری سوریه، قابل مشاهده در سایت www.voltairenet.org/article173035.html. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۱۶.
- ۱۱- قانون اساسی جمهوری عراق، قابل مشاهده در سایت وزارت داخلی جمهوری عراق به آدرس http://www.iraqinationality.gov.iq/attach/iraqi_constitution.pdf. تاریخ آخرین بازبایی؛ ۱۳۹۶/۴/۹.

- 12- Kalin, Stephen (2014). Syrian presidential election law excludes most opposition leaders, Reuters website. Available in <http://www.reuters.com/article/us-syria-crisis-election-idUSBREA2D0HE20140314>. Accessed July 9, 2017.
- 13- Shaheen, kareem (2017), Turkish referendum: all you need to know. The Guardian website. Available from: <https://www.theguardian.com/world/2017/apr/10/turkish-referendum-all-you-need-to-know>. Accessed July 7, 2017.